

به نام خدا

جلوه عاشورا و دفاع مقدس در آینه آثار محمدرضا سنگری

مؤلف :

اسماء صحراگرد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: صحراگرد، اسما، ۱۳۶۶-
عنوان و نام پدیدآور: جلوه عاشورا و دفاع مقدس در آینه آثار محمدرضا سنگری/مؤلف اسما صحراگرد.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۸۳ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۴۳-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۷۳ - ۱۸۶.
موضوع: سنگری، محمدرضا، ۱۳۳۳- -- نقد و تفسیر
موضوع: عاشورا در ادبیات
نثر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
Tenth of Muharram in literature
موضوع: عاشورا در ادبیات
نثر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
Persian prose literature -- ۲۰th century -- History and criticism
رده بندی کنگره: PIR۳۴۴۲
رده بندی دیویی: ۸۴۰/۹۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۲۹۸۸۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: جلوه عاشورا و دفاع مقدس در آینه آثار محمدرضا سنگری

مؤلف: اسما صحراگرد

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زیر جلد

قیمت: ۱۴۸۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۴۴۳-۰

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

۵ فصل اول: کلیات
۱۱ فصل دوم: مبانی نظری
۱۲ مقدمه
۱۴ ادبیات عاشورایی و تعریف آن
۱۷ سیر تاریخی شعر و ادبیات عاشورایی
۲۱ عصر اول: از قرن چهار تا قرن نهم
۲۱ عصر دوم: قرن دهم و یازدهم (دوره صفویه و آغاز حکومت شیعه)
۲۳ عصر سوم: دوره پس از صفویه تا پایان قاجاریه (قرن های دوازده و سیزده)
۲۶ عصر چهارم: عصر معاصر یعنی دوره پهلوی اول و دوم و جمهوری اسلامی از ۱۳۰۰ تا دهه ۹۰
۲۶ دوره ی پهلوی تا انقلاب اسلامی
۲۹ دوره معاصر، بعد از انقلاب اسلامی
۳۰ تطور محتوایی ادبیات عاشورا
۳۶ ساختار زبان و قالب های شعری
۴۰ عناصر و مضامین شعر عاشورایی
۴۱ شخصیت های عاشورایی
۴۱ قهرمانها
۴۲ ضد قهرمانها
۴۳ موضوعات عاشورایی
۴۴ اسارت
۴۶ عاشورا، استمرار خط ولایت غدیر
۴۸ شهادت
۵۰ آب و عطش
۵۱ استقامت و پایداری
۵۲ حقارت دنیا
۵۲ نماز عاشورا
۵۳ عصر عاشورا
۵۴ غم و اندوه
۵۷ عشق
۵۹ خداوند
۶۰ خون خواهی و امام زمان
۶۱ فلسفهی نهضت

۶۲	اشیاء و ابزار و لوازم و ادوات جنگی
۶۶	تحریفات عاشورا
۷۰	راز ماندگاری عاشورا
۷۳	درسها و عبرتهایی که میتوان از عاشورا گرفت
۷۴	ادبیات پایداری
۷۵	ادبیات دفاع مقدس
۷۶	مضامین شعر دفاع مقدس
۷۸	زبان شعر مقاومت
۷۸	قالب شعری
۸۴	مفاهیم مشترک و موضوعی و درون مایههای شعر مقاومت و شعر عاشورا
۸۹	فصل سوم: زندگی ، سبک، و آثار محمد رضا سنگری
۹۰	سبک شناسی
۹۰	سبک شناسی شعر عاشورایی
۹۱	سبک ایدئولوژیک
۹۳	ایدئولوژی و ساخت زبان
۹۴	سبک شناسی نثر
۹۵	نثر تحقیقی یا دانشگاهی
۹۵	سبک محمدرضا سنگری
۹۷	زندگی نامه محمد رضا سنگری
۱۰۱	فصل چهارم:
۱۰۱	جلوه عاشورا و دفاع مقدس در آثار سنگری
۱۰۲	مقدمه
۱۰۲	آثار منتشر سنگری
۱۰۳	آثار پژوهشی در حوزه ی عاشورا
۱۰۳	آینه در کربلاست
۱۱۹	آموزههای کتاب
۱۲۰	شعر هیئت
۱۲۱	آینهداران آفتاب
۱۲۳	۱- معرفت و فهم
۱۲۴	۲- رهایی و آزادی
۱۲۴	۳- آمیزهی شدت و رحمت (تولی و تبری)
۱۲۵	۴- وحدت و همدلی
۱۲۷	۵- صبوری و شکیبایی
۱۲۷	۶- شجاعت و دلاوری

۱۲۸	۷- ایثار و پاکبازی
۱۲۹	۸- شیفتگی به عبادت
۱۳۰	۹- غیرتمندی و صلابت
۱۳۱	۱۰- عزت و نفوذ ناپذیری
۱۳۱	۱۱- موقعیت شناسی
۱۳۲	۱۲- روشنگری و رسواگری
۱۳۵	نثر عاطفی
۱۳۶	شخصیتهای عاشورایی:
۱۳۸	موضوعات عاشورایی
۱۳۹	اسارت
۱۴۱	عاشورا ادامه ی غدیر
۱۴۲	شهادت
۱۴۲	ایثار و فداکاری و جانبازی
۱۴۴	آب و عطش
۱۴۵	استقامت و پایداری
۱۴۷	حقارت دنیا
۱۴۷	نماز عاشورا
۱۴۹	عصر عاشورا
۱۵۰	اندوه و غم
۱۵۲	عشق
۱۵۵	خداوند
۱۵۵	خون خواهی و امام زمان
۱۵۶	فلسفه ی نهضت
۱۵۷	زمان و مکان ابزار و وسایل جنگ
۱۶۱	جلوه ی عاشورا در دفاع مقدس از منظر سنگری
۱۷۳	سخن آخر
۱۷۶	منابع و مأخذ
۱۷۶	قرآن کریم

فصل اول: کلیات

حادثه عاشورا، تاریخی است به گستره حیات شیعه. قبل از عاشورا (بعد از رحلت رسول اکرم) و بعد از عاشورا، تاریخ شیعه متأثر از آزادگی ها و رشادت های بی شمار، دلیرانی است که در مقابل ظلم و ستم قد علم کرده اند، اما عاشورا نقطه عطف و نگین درخشان آزادگی و دلاوری است. از این رو «قیام مقدس حسین (ع) و حادثه خونبار کربلا و حماسه طف را می توان اساس و ریشه‌ی همه‌ی نهضت‌های حق طلبانه‌ای دانست که در مقابل حکومت‌های غاصب اموی، عباسی و دیگر جنایتکاران تاریخ اسلام به وجود آمده‌اند. پس خمیرمایه اصلی آنها، قیام امام حسین (ع) بوده و هست و خواهد بود و همانند مشعلی پر فروغ بر بلندای قله‌ی رفیع تاریخ اسلام خواهد درخشید و سبب بیداری مسلمانان و الهام بخش همه‌ی نهضت‌های اصیل رهایی‌بخش خواهد بود.» (بهشتی، ۱۳۸۵: ۲۹)

«انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی (ره) از عاشورا الگو گرفت و دوام آن نیز در گرو بهره‌گیری از درس‌ها و عبرت‌های آن است.» (همان)

و لذا جنگ تحمیلی ایران را نیز می‌توان ادامه حماسه عاشورا دانست؛ زیرا «شبهت و همسانی انقلاب عظیم عاشورا و انقلاب بزرگ اسلامی، این همه ایثارها، شجاعت‌ها، صبوری‌ها و عظمت‌ها را رقم زد و صحنه‌هایی آفرید که در آن شور، شعور، شوکت و شکوه عاشورایی را می‌توان یافت.» (سنگری، ۱۳۸۶: ۱۱)

رزمندگان ما که در هشت سال دفاع مقدس حماسه آفریدند و امت بزرگ ما که صبورانه مقابل شرایط سخت و طاقت فرسا ایستاد و رهبری فرزانه و بصیر که ناشر همان فرهنگ و بر دوش دارنده‌ی همان رایت بود، نشان داد که عاشورا نه تنها حادثه‌ی سال ۶۱ هجری

نیست که در هر زمان و مکان تکرارپذیر است و به هر نسبت که یک حادثه، هویت فرهنگی عاشورا را بیابد، تاثیر، دوام و عمق خواهد یافت.

بدین ترتیب « فرهنگ عاشورا در تمام ابعاد و جلوه‌های خویش در شعر دفاع مقدس چهره می‌نماید. تموج حماسه، تبلور پیام، آهنگ سوگ، درد، معرفت، محبت و عشق که هر یک جلوه‌ای از منشور شکوهمند عاشورایند، خود را در سروده‌ها می‌نمایند.» (محمدزاده، ج ۲، ۱۳۹۳: ۲۷)

جلوه‌ی عاشورا در سروده‌های دفاع مقدس فراوان دیده می‌شود و پشتوانه و درونمایه بسیاری از سروده‌هاست. و این خود دلیل فراوانی این مضامین، وفور این تعبیرات و رواج این فرهنگ در جبهه‌هاست. عاشورا و کربلا، آرمان و اعتقاد رزمندگان است و مفهوم شهادت و پاکبازی، بی‌تداعی کربلا و الگوهای عاشورا ممکن و میسر نیست.

شعر انقلاب از بیان شورها و پیام‌های حماسه‌آفرینان کربلا، حمدها، معراجیه‌ها، غدیریه‌ها و مناجات‌های عارفانه مایه گرفته است. عاشورا در پرورش روح حماسی شاعران انقلاب، نقش بسزایی دارد.» (مکارمی نیا، ۱۳۸۳: ۶۸)

در این میان محمدرضا سنگری ادیب و هنرمندی است که هم از منظر ادبی و سوگنامه و دل‌نوشته به تبیین حادثه عاشورا و دفاع مقدس پرداخته است زیرا همانگونه که هویداست « پیام‌های عمیق و اعجازگونه را جز با زبان ادب و هنر نمی‌توان تبلیغ و تبیین نمود به همین سبب، حادثه عظیم عاشورا با دریایی از جلوه‌ها و جنبه‌های ادبی و هنری آمیخته

است و توجه به آنها برای یادآوان عاشورا و تحلیل گران این نهضت بسیار مهم است.»
(بهشتی، ۱۳۸۲: ۱۶۴)

و نیز می دانیم که ائمه (ع) و معصومین (س) توصیه هایی در این زمینه داشته اند و امام صادق (ع) می فرماید: «هرکس درباره خاندان ما یک بیت بسراید، خداوند برایش خانه‌ای در بهشت بنا می کند.» (وسائل الشیعه، ج ۱: ۴۶۷)

و نیز می فرماید: «هیچ کس درباره حسین (ع) شعری نگفت، که بگرید و بگریاند، جز آنکه خداوند، او را خشنود ساخت و بهشت را بر او واجب گرداند.» (بحارالانوار، ج ۴۴: ۲۸۳)

سنگری همچنین به وسیله پژوهش و بازشناخت تاریخی و فلسفی واقعه عاشورا آثاری ارزشمند خلق کرده و معتقد است که نباید صرفاً به ظاهر تراژیک عاشورا پرداخت و باید از درون مایه های زلال آن نیز کامی برگرفت و می گوید: «باید در بازخوانی عاشورا و کربلا همیشه یادمان باشد که چشم انداز بیرونی و ظاهر شگفت و شورانگیز و سوگ آمیز آن، ما را از سیر در اعماق آن باز ندارد و بکوشیم تا چونان غواصی ماهر، گوهرهای ناب و نایاب از ژرفای آن استخراج کنیم و جان و جهانمان را بدانها بیاراییم. ما از چشم انداز بیرونی عاشورا ناگریزیم، چون شناخت خود حادثه و سیر آن ضرورت دستیابی به درون رازآمیز آن است اما نباید به شنا در سطح بسنده کنیم و شیوه شیرین قرآن در برخورد با حادثه‌ها را که ژرفاکاوی و عبرت و تنبه و تذکر است، فراموش کنیم.» (سنگری، ۱۳۸۸: ۱۰)

وی ضمن حبل المتین دانستن حادثه عاشورا، در آثار پژوهشی خود به دنبال پاسخگویی به این سوال است که کربلا و عاشورا را چگونه باید دید؟ او برخورد برشی با کربلا و عاشورا و برخورد با این حادثه عظیم را صرفاً از منظر سوک و مرثیه باعث غفلت از ابعاد عمیق عاشورا می‌داند و می‌گوید: « هر چند سوز و مرثیه و اشک ارجمند و ستودنی است و در قلمرو روایات بدان بسیار توصیه شده است اما باید دانست که اشک مقصد نیست. مقدمه‌ی گره‌خوردگی عاطفی و قلبی ما با کربلا و عاشورا برای تبدیل آن به اسوه و سرمشق در زندگی است.» (همان)

بنابراین با توجه به آنچه در بالا بیان گردید در این پژوهش، پژوهشگر بنا دارد به کم و کیف جلوه عاشورا و دفاع مقدس در آثار محمدرضا سنگری پردازد و امید است به خوبی و در حد وسع بتواند جایگاه او را با توجه به آثارش در این ارتباط تبیین نماید. او عاشورا را تابلویی عظیم می‌داند که زینب (س) در مجلس یزید به تصویر کشیده است و چشمانی زینبی ما را بایست تا کربلا را زیبا، عمیق، روشن در قاب قلبمان ببینیم.

فصل دوم: مبانی نظری

مقدمه

در ۱۵ رجب سال ۶۰ هـ.ق معاویه می‌میرد و همانطور که قبل از مرگ خود برای یزید بیعت گرفته بود، یزید جانشین او می‌شود. حسین بن علی (ع) که در تمام طول دوران حکومت معاویه بر صلح برادر وفادار بوده و از آن پیروی کرده است بعد از مرگ معاویه از بیعت با یزید امتناع می‌کند و برای پرهیز از اجبار و فشاری که برای بیعت به او وارد می‌شد از مدینه عازم مکه می‌شود. و بدین ترتیب روز سوم شعبان همان سال به مکه می‌رسد و در این شهر و در مراسم حج عمره، شروع به افشاگری علیه معاویه و یزید می‌کند. حجاجی که به جهت عمره به این شهر آمده بودند پس از بازگشت به اوطان خود، شروع به روشنگری در مورد رسالت امام حسین (ع) می‌کنند و بدین ترتیب نامه‌های بسیاری در حمایت از ایشان و عدم بیعت با یزید به دست او می‌رسد و از این جمله است نامه‌های مردم کوفه که سال‌های بسیاری در انتظار مرگ معاویه بودند در مدت کوتاهی حدود ۱۲۰۰۰ نامه جهت آن حضرت ارسال می‌نمایند. و از آنجا که کوفه و بصره و تعدادی از شهرهای عراق دارای شیعیان بسیاری بودند، به طور مثال یک سوم مردم شهر کوفه شیعه بودند، پس به لحاظ استراتژیک شهرهای مهمی برای خاندان پیامبر محسوب می‌شدند، و از آنجا که مکه به عنوان یک شهر شیعی به حساب نمی‌آمد و رابطه‌ی مردم مکه و امام حسین یک رابطه‌ی عاطفی و احساسی بود امام نمی‌توانست به مکه چشم امیدی داشته باشد. لذا با وجود مخالفت بزرگانی چون عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر و محمد بن حنفیه تصمیم گرفت تا دعوت کوفیان را بپذیرد. پس پسرعموی خود مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد. مسلم در منزل هانی اقامت گزید و با بزرگان کوفه دیدار کرد

و بزرگان در این دیدارها از اشتیاق خود برای همراهی امام گفتند و با او بیعت کردند. پس مسلم ضمن اطمینان از همراهی و یکدلی مردم کوفه برای امام نامه نوشت تا به سمت کوفه حرکت کند. اما در فاصله رسیدن نامه ی مسلم به امام عبیداله بن زیاد حاکم کوفه شد و هانی را کشت و مسلم را از دارالعماره به پایین پرتاب کرد. و امام حسین نیز در مسیر کوفه در سرزمین نینوا توسط سپاه حرّ ریاحی محاصره شد و عمر بن سعد به شوق حکومت ری با انبوهی از سپاه با ۷۲ مرد عاشق در روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری جنگید تا انسانیت شعری بلند، در راه عقیده و ایمان بسراید. این است عاشورا که شعری است به بلندای هزار و سیصد و هفتاد و هشت سال. اندوه بزرگی که آرمان و عشق و حماسه و آزادگی و ایمان در توشه دارد. چرا که «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» (انفال، ۲۴). (ای کسانی که ایمان آوردید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامیکه شما را به سوی چیزی می خواند که مایه ی حیاتتان است.) و این مایه حیات و احیا چیزی نیست جز زنده کردن و احیای دم الهی که در ابتدای خلقت در وجود انسان به ودیعه گذاشت و حسین (ع) با حرکت به طرف کوفه با دم مسیحیایی خویش بر کالبد مرده انسان جانی تازه دمید. آنجا که می گوید: «من برای احیای سنت جدم رسول خدا قیام کردم.» اما این دمیدن روح تازه در کالبد بشریت تا عمق وجود انسان نفوذ کرد و نسل به نسل منتقل شد تا به شعر معاصر و ادبیات مقاومت رسید.

پیش زمینه ی ورود به جلوه های عاشورا در ادبیات معاصر و نقد و تحلیل آن، آشنایی با ویژگی های ادبیات عاشورایی است. پس در این فصل ابتدا به تعریف ادبیات

عاشورایی، سپس علل و انگیزه‌ی شکل‌گیری، مهمترین اغراض آن، شعر و نثر، قالب‌های شعر عاشورایی و رثا و مرثیه‌سرایي و پیشینه‌ی آن، محتوای ادبیات عاشورایی، چگونگی تصویرپردازی شعر، نثر، تشبیه و صور خیال در شعر عاشورایی، نمادهای عاشورایی و همچنین محتوا و مضامین عاشورایی در شعر و نثر خواهیم پرداخت.

ادبیات عاشورایی و تعریف آن

حادثه جانگداز عاشورا یکی از جانسوزترین وقایع تاریخ اسلام است. لذا بعد از این حادثه زینب (س) رسالتی را آغاز کرد که تاکنون شاعران و نویسندگان نثر ادب پارسی و عربی بیرقش را برافراشته نگاه داشته‌اند و آن نوشتن و سرودن از این واقعه به منظور زنده نگه داشتن یاد و نام حسین (ع) به منزله‌ی بزرگ‌روشنگر و ظلم‌ستیز تاریخ اسلام بوده است.

تاکنون تعاریف بسیاری از ادبیات عاشورایی ارائه شده است از جمله محمدعلی مجاهدی معتقد است: «موضوع شعر عاشورا، مسائل مربوط به قیام الهی امام حسین و اخبار مبتنی بر شهادت آن حضرت از زمان حضرت آدم تا خاتم و حوادث مرتبط با این نهضت، از مکه تا کربلا و از کربلا تا مدینه و مکه است. در تعریف شعر عاشورا باید به این نکته اشاره داشت که هرچند این نوع شعر موضوعاً مربوط به مسائل قیام حسینی و وقایع مرتبط با آن است ولی میان آثاری که صرفاً به مسائل عاطفی کربلا و ماتمی آن پرداخته‌اند با آثار منظومی که ملهم از ارزش‌های عاشورایی و مبتنی بر اهداف الهی این نهضت شگرف‌اند، تفاوت قایل شد. بر این اساس می‌توان گفت: شعر عاشورایی، شعری است که در مقام تبیین مقولات ارزشی این نهضت الهی است و متعهدانه حول محور

مسائل زیربنایی آن حرکت می‌کند. شعر عاشورا به شعری اطلاق می‌شود که صرفاً به بیان عاطفی و ماتمی و هرازگاه به جنبه‌های حماسی واقعه کربلا می‌پردازد.» (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۴۸)

فروغ صهبا شعر را به گونه‌ای جامع تعریف می‌کند: «شعر، محک دقیق برای سنجش و ثبت واکنش انسان نسبت به زندگی و حاصل انعکاس برخورد شاعر با معیارها و ارزش‌های زندگی است. شعر خوب از زندگی انسان‌ها سخن می‌گوید. هرچه دایره‌ی شمول شعر وسیع‌تر و فراگیرتر باشد ارزش آن بیشتر است. گوینده‌ی چنین شعری نمونه‌ی انسانی است که عواطف دست نیافتنی عالمی را برملا می‌کند، از این جهت او را پرچمدار انسانیت دانسته‌اند.» (امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۳۱۶)

براساس این تعریف از شعر، برخی دیگر از نویسندگان و منتقدین معتقدند: «شعر عاشورا به شعری که به رخدادهای این روز پرداخته باشد، محدود نمی‌گردد؛ چرا که عاشورا یک حادثه نیست تا با گذشت زمان از میان برود، بلکه حوادثی که در روز عاشورا در کربلا اتفاق افتاد، نماد تمام رخدادهای تلخی است که در زندگی بشر از آغاز تا حال رفته است.

اینان حادثه‌ی عاشورا را رمز و سمبل هر حادثه و پیشامد تلخ در تاریخ بشریت دانسته، امام حسین (ع) و یارانش را نماد روح بزرگ انسانی و صفات و کرامات معنوی و جبهه‌ی یزید را نماد همه‌ی شرارت‌ها و خوی حیوانی بشر به شمار می‌آورند و بنابراین اعتقاد دارند

اشاره به هر رخداد تلخی که نشانگر این دو چهره‌ی حق و باطل باشد و در آن از این سمبل‌ها استفاده شده باشد، شعر عاشورایی نامیده می‌شود.» (انصاری، ۱۳۸۹: ۲۸)

و این تقسیم بندی جهان به دو قطب خیر و شر و حسینی و یزیدی را می‌توان در ادوار مختلف تاریخ دید که همواره به صورت رمز جهت اعتراض به استبداد و خفقان سیاسی و اجتماعی حاکم در هر دوره ای مورد استفاده قرار گرفته است. تا آنجا که محدثی معتقد است: «شعر عاشورا نقد حکام غاصب و احیای مفاهیم زنده و زندگی ساز دین و نشر ارزش‌های ماندگاری است که زیربنای فداکاری و جهاد و جانبازی در راه عقیده به شمار می‌رود. شعر عاشورا انتقال دهنده‌ی فرهنگ شهادت و خط‌حمایت از خاندان مظلوم پیامبر بوده است.» (محدثی، ۱۳۸۳: ۱۷)

همین است که استاد مطهری با بهره‌گیری از آموزه‌های عظیم مکتب عاشورا به معرفی یزید زمان می‌پردازد و در نطق تاریخی خود می‌گوید: «ما در برابر این قضیه [اشغال فلسطین] مسؤولیت داریم. داستانی که دل حسین بن علی (ع) را امروز خون می‌کند همین است اگر ما می‌خواهیم به خودمان و عزاداری حسین (ع) ارزش دهیم باید به مسئله فلسطین توجه کنیم. اگر حسین (ع) بود به ما می‌گفت که اگر می‌خواهید برای من عزاداری کنید شعار امروز باید فلسطین باشد. شمر هزار سال پیش مرد، شمر و یزید امروز را باید شناخت.» (خبرگزاری فارس، ۹۵/۴/۱۰)

تلاش در جهت شناخت ظلم و بیداد در ادوار مختلف و مبارزه با آن توسط بیداردلان حسینی که آغاز کننده اش زینب (س) بود و ادامه دهنده‌اش امامان شیعه‌ی بعد از امام حسین (ع) و انسانهای روشنگری که خواب را بر چشم یزید و یزیدیان حرام می‌کردند

مکتب پایداری را به وجود آورد که از اقیانوس عظیم عاشورا بهره می برد. هرچند در دوره هایی به سبب سیاست های ضد شیعی برخی خلفا و امرا از پیشرفت بازماند اما توسط ادیبان عربی و فارسی تا به امروز زنده نگه داشته شده است.

البته ما نیز بر همین سیاق کلیه ی آثار ادبی که به مقوله ی عاشورا می پردازد از باز تعریف حادثه تا سوگ و ماتم و یافتن مصادیق عاشورایی بعد از سال ۶۱ هجری را در زمره ادبیات عاشورایی قرار می دهیم و به بررسی سابقه ی تاریخی ادبیات عاشورایی می پردازیم.

سیر تاریخی شعر و ادبیات عاشورایی

حماسه و ذکر آن بخش جدایی ناپذیر ادبیات است. در ادبیات فارسی حماسه ی منثور و منظوم فراوان است. اما از یک نقطه ای حماسه و آیین شیعی درهم می تنند و محصول این آمیزش، شعر و ادبیات عاشورایی است. حماسه ای که علاوه بر ذکر قهرمانی ها دارای بعد آرمانی، اخلاقی و ایدئولوژیک است.

در دوران بنی امیه به دلیل خفقان سیاسی و دشمنی و عنادی که با آل پیامبر (ص) و دوستانشان ایشان وجود داشت و همینطور به این دلیل که شیعیان در این دوره امکان سوگواری برای امام حسین (ع) و یاران او را نداشتند اندوه خود را در قالب شعر بیان می کردند اما به دلیل ترسی که از حکومت وقت وجود داشته است شاعران و نویسندگان از نوشتن و ثبت آثار خود پرهیز می کردند و همانطور که ابوالفرج اصفهانی می گوید: «از پیشینیان چیزی در مرثیه ی حسین به ما نرسیده و جهت آن نیز همان خوف و ترسی بوده

که شعرای آن زمان از بنی امیه داشتند و از این رو جرأت این کار را نداشتند.» (اصفهانی، بی تا: ۱۲۵)

شعر و ادب پارسی به شیوه ی عربی از قرن سوم هجری آغاز شد پس مرثیه سرایی و نثر رثایی پارسی بسیار بعد از شعر و ادبیات رثایی عربی شکل گرفت به همین دلیل می توان گفت که شعر عاشورایی در ایران و به زبان فارسی بسیار بعدتر از شعر عربی بوده است. اما همانطور که گفته شد به دلیل شرایط اختناق حاکم و اینکه شعر و ادبیات عاشورایی همواره احساس خشم و نفرت مخاطب خود را نسبت به ظلم و ستم بیدار می کند پس مورد غضب حاکمان است و دیگر اینکه در طول قرون متمادی شیعه بودن و حب فرزندان علی ممنوع بود و شیعیان از طرف حکام وقت به فجیع ترین شکل ممکن مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند. اشعار مکتوب زیادی از سه چهار قرن اول بعد از حادثه عاشورا به دست ما نرسیده است. تا جایی که طبری آورده است «این شعر یکی از اشعار مکتوم شده ای است که در آن زمان کتمان می شد.» (طبری، ۱۹۸۹: ۴/۴۷۲)

اما در یک نگاه کلی می توان گفت که اولین سرایندگان و نویسندگان ادبیات عاشورایی، حماسه سازان عاشورا بودند که رجزهای ایشان در روز نبرد، نخستین شعر عاشورایی بود.

بعد از آن رساترین نثر عاشورایی توسط حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) خطاب شد. «که این خطابه ها در رثای شهیدان، مذمت مردم بی وفا و بیان حزن و درد و تحسر سروده شده است.» (انصاری، ۱۳۸۹: ۳۴)

در کتاب مقاتل الطالبیین، مقتل الحسین و ادب الطف و ادب الحسین و حماسه و... به اشعاری از حضرت زینب (س) و ام کلثوم، رباب همسر امام (ع) و امام سجاد (ع) و ام البنین مادر حضرت ابوالفضل (ع) برمی خوریم. اما در زبان عربی برخی اولین شعر عاشورایی را به همسر امام حسین منتسب می کنند و برخی نیز آن را به «عقبه بن عمر واسهی نسبت می دهند که در اواخر قرن اول به زیارت قبر امام حسین (ع) می رود و چنین می سراید»: (خوارزمی، ۱۴۱۸: ۱۷۱/۲، الامین، ۱۴۰۶: ۶۸/۱، شیخ مفید، ۱۳۶۴:

(۳۶۹)

مَرَوْتُ عَلَيَّ قَبْرِ الْحُسَيْنِ بِكَرْبَلَا فِقَاضَ عَلَيْهِ مِنْ دُمُوعِي غَزِيرُهُا

«و برخی عبیداله بن حرّ جعفی که امام شخصاً به خیمه‌ی او رفته و از وی طلب یاری نمود را نخستین زائر کربلا و سراینده مرثیه‌ی ابتدایی می دانند.» (ابن الاثیر، ۱۹۶۵: ۵۱/۴، طبری، ۱۴۰۹: ۳۰۷/۴)

و گروه چهارم نخستین سراینده را سلیمان بن قته می دانند که از پیشگامان مرثیه سرایی است. (اصفهان‌ی، بی تا: ۱۲۴، شهر آشوب، بی تا: ۱۲۳/۴)

اما در ادبیات فارسی نخستین اشعار از حکیم کسایی مروزی و ناصر خسرو باقی مانده است. اما برخی آن را به دلیل اینکه در چند قرن ابتدایی ورود اسلام به ایران، زبان